

- کار و جدیت و سایر خصال خوب و پسندیده از اینها نیز باید دوری کنیم .
- (۱) استعمال آزادی در غیرموقع خود و افراط در آن
 - (۲) اموریکه مخالف تربیت و آداب اسلامی است
 - (۳) سنتی در دین و افتخار به لامذهبی که اساس تمام اخلاق زشت و خصال نکوهیده است .

بین ایران و انگلیس

جريدة البلاغ منطبعة مصر که زبان حال حزب و فداست مقاله مفصلی در زیر عنوان «اضطراب انگلیس در شرق وسط» نوشته که یک قسمت آن راجع به کشمکشی است که اخیراً بین ایران و انگلیس رخداده و ما این قسمت را بطور اختصار ترجیح کرده و عنوان آنرا «بین ایران و انگلیس» قرار دادیم .

* * *

مشکلاتیکه در ایران برای انگلیس پیش آمده بزرگتر و مهمتر از مشکلات بین النهرين است و تقریباً از بیست مسئله هم تجاوز میکنند ولی مهمترین آنها در مطالبی که در ضمن یک یاد داشت دولت ایران داده است خلاصه میشود :

- (۱) باز کذاشتن راه در جلو طیارات انگلیسی که در بین هند و بین النهرين آمد و رفت میکنند (۲) برسیت شناختن بین النهرين (۳) برگردانیدن امیر محمره ! (۴) برداختن دو ملیون لیره که دولت انگلیس خرج قشونی نموده که از ایرانیان ترتیب داده بود
- نظریات دولت ایران در این قضیه بکلی با دولت انگلیس مخالف است، زیرا او میگوید ممکن نیست بطیارات انگلیس اجازه عبور داده شود مادامیکه از روی طهران و اصفهان و سایر شهر های مهم ایران نگذرند . راجع برسیت شناختن بین النهرين نیز دولت ایران بچند علت خود داری کرده است . یکی از آنها مسئله ایرانیان شیعه مقیم بین النهرين است که

دولت ایران میل دارد بجنسیت خود باقی بماند و دیگری مسئله شط العرب است که دولت ایران مثل جزایر بحرین جزء مناطق ایرانی میداند، در قضیه امیر محمره (!) هم دولت ایران ابدآ حاضر نیست وارد مذا کره شود زیرا آنرا یک قضیه داخلی میداند، ولی دولت انگلیس مدعی است که با امیر مذکور قراردادی بسته که بموجب آن قرارداد بایسد او را حفظ کند، در صورتیکه خرعمل یکی از امراء ایران است و جز از جهت تمول و مقام با یک ایرانی عادی هیچ تفاوتی ندارد و تنها ضعف ایران در سابق موجب بلند پروازی و گردشکشی او شده بود و همینکه حکومت حالیه سر کار آمد و نفوذش تمام اقطار ایران سرایت کرد دید که تزدیک است امیر محمره از ایران منفصل شود این بود که او را ترقه و بطهران آورد و او در بطهران خیلی هم محترم و معزز است ولی قوانین ایران در خوزستان مثل سایر ولایات مجری است، این کار در نظر انگلیس ها خوش آیندی بود زیرا نفوذشان از آنجا زایل گردید، این بود که به ایران اعتراض کردند ولی ایران به اعتراضات محل نگذاشت، اما یولی که انگلیس خرج قشون ایرانی کرده دولت ایران بدان اعتراض ندارد زیرا او از انگلیس نخواسته بود قشونی ترتیب دهد و پول خرجش کند، بعلاوه در مقابل صدمات ایام جنگ ادعای خسارت ازوی میکند. چنین گمان میرود که قصد انگلیس از این حرفها این است که مطالب مهمتری از ایران بگیرد، این کشمکشها بین ایران و انگلیس بود که یک دفعه چشم ایران بقرارداد ابن سعید و انگلیس افتاد که بموجب یکی از مواد آن ابن سعید تعهد میکند که حقوق بحرین را محترم شمارد

دولت ایران باین ماده اعتراض کرده و اعتراض خود را به جمع یین الملل داده اظهار داشت که بحرین جزیره ایست ایرانی و کسی حق ندارد در شؤن آن دخالت کند

علوم است که بحرین دارای امیری است که در زیر حایات انگلیس میباشد و ایران در قرن ۱۸ و ۱۹ بر این جزیره تسلط داشته و بحرین در زیر حکم طهران بوده است. ولی در اواخر قرن ۱۸ تسلط ایران از آنجا

بر چیده شد و مثل سایر آن نواحی اسماً در تحت تسلط ترکیه قرار گرفت هنگامیکه انگلیس در خلیج فارس شروع به بسط نفوذ نمود دست خود را بطرف بحرین نیز دراز کرد و بواسطه حکومت هند قراردادی دوستانه با امیر آنجا منعقد ساخت و در سال ۱۸۶۹ بیان مساعدت کرد که از ترکیه منفصل شود، در سال ۱۸۸۰ نیز با او قراردادی بست که با هیچ دولتی غیر از دولت انگلیس حق مذاکره و مراوده نداشته باشد. یعنی تحت الحمایه انگلیس باشد، از آنروز شروع بدخالت در امور بحرین نمود تا امروز که فرمائروای مطلق در آنجا است «ولی دولت ایران هیچ وقت غافل نبود و ابدآ برای اعتراض و اثبات حق خود فرصت از دست نداد لیکن انگلیس باعتراض او اهمیت نمیداد، اولین اعتراضیکه دولت ایران نمود در سال ۱۸۶۹ بود که جنبش برای مجزی شدن پیش آمد و لورد کلاندرتون جوابی به این اعتراض داد که امروز دولت ایران اثرا سند قرارداده است ولی انگلیس میگوید امروز نقشه عالم بکلی تغییر کرده است و حرف آنروز هیچ سندیتی ندارد.

این جواب از دولت انگلیس که مطالب یهودرا در فلسطین پذیرفته و حقوقی که دوهزار د(نه صد) سال پیش ازین رفتہ محترم شمرده و جزء قانون بین المللی شمرد خیلی غریب است. و نمیدانیم چرا تعجب میکنند که ایران میخواهد حق خود را در بحرین مطالبه کند، در صورتیکه ایران از روزیکه انگلیس در آنجا قدم گذاشته هیچ وقت از اعتراض به اعمال انگلیس و اثبات حق خود غفلت نکرده است و از آنروز تا کنون نه یادداشت داده که چهار تای آن در ظرف همین بیست سال اخیر بوده است

درست است که یادداشت حق را از غاصب نمیکرد ولی غاصب بودن اور اثبات میکند و ممکن است هنگام فرصت پس گرفت، شاید در این وقت هم یادداشت ایران فایده نداشته باشد و جامعه ملل هم بحرف دولتی که قوّة بحری و بری ندارد کوش ندهد ولی این مسئله یک حلقة برقله های زنجیر مشکلاتی که در خلیج فارس دست و پای انگلیس را بسته است زیاد میکند و در را برای یک حاکمه بین المللی که ممکن است انگلیس به فیروزی کامل

از آن بر نگردد باز میگذارد . انگلیس این را میداند و میخواهد هر طور هست مسائلی را که نمیتواند به نام قانون بین المللی تایید کند تصفیه نماید هر کس سیاست انگلیس را در خلیج فارس تبع کرده باشد میداند که این سیاست از آغاز تا انجام بربیک و تیره بوده است ، کاری را که امروز در عراق کرده و میخواهد در محمره بکند همان کاری است که قبل از این در عمان و بحرین و کویت میکرد ، زیرا او معتقد است که دولت بزرگی به خلیج فارس بر سرده هند در خطر است قبل از این از آلمان و راه بغداد میترسید و امروز از روس میترسد اول آمان میکرد که انقلابی که در ایران رخ داد برای جلوگیری از روس سد محکمی است ولی اکنون هی بینید که حکومت فعلی ایران همانطور که حمله شمال را رد میکند به همسایه جنوبی نیز اجازه دست درازی نمیدهد و میخواهد نفوذ هایی که در زمان پیش بوجود آمده نیز بر طرف کند . معلوم است که شرکت خط هوا پیمائی امروز از ایران صرف نظر کرده و متوجه سواحل عربستان و از آنجا به هند مشغول مطالعه است ، شاید این مطالعات هم به بلوچستان و از آنجا به هند نتیجه کشمکش بین ایران و انگلیس چه میشود و همینکه دیدند ایران اجازه نخواهد داد به سواحل عربستان منتقل میشوند البته در آنجا نقاطی است که تابع این سعود است و کمان نمیرود که این سعود برای انگلیسها در این مسئله اشکال تراشی کند و یک قسم هم متعلق به امراء موهوم عرب است که البته بالاقیان خود مخالف نمیکند ، وقتیکه مسئله این طور تمام شد انگلیس یکقدم عقب نشسته و عقب نشتن او ایرانیان را تشویق میکند که بیشتر حق خود را حفظ کرده و در سیاست دنیا بهتر بازی کنند

بنادر جنوب

مقاله بنادر جنوب بواسطه مسافرت نویسنده محترم آن آفای میرزا احمد خان

فرامرزی بر شماره آینده مو کول گردید